

بسمه تعالی

بزرگ چهارم مرحوم صاحب کتاب هدایه الابرار ره می‌باشد که معاصر با مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره بوده است و محقق سیستانی دام ظلّه در دوره دوم درس خود فرموده است که علاوه بر اینکه در کتاب وسائل الشیعه این انتساب نقل شده است، در دو مورد دیگر نیز این انتساب مشاهده شد که یکی کتاب هدایه الابرار صفحه 90 است و دیگری کتاب روضه المتقین باشد.

بزرگ پنجم مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره می‌باشد که در سال 1104 فوت نموده است و ایشان در دو مورد این انتساب را ذکر فرموده است. یکی در کتاب وسائل الشیعه، جلد 17، صفحه 118 می‌باشد:

«سَعِيدُ بْنُ هَبَةِ اللَّهِ الرَّائِدِيُّ فِي رِسَالَتِهِ الَّتِي أَلْفَهَا فِي أَحْوَالِ أَحَادِيثِ أَصْحَابِنَا وَ إِنْثَابِ صَحَّتْهَا عَنْ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ ابْنَيْ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ أَبِي الْبَرَكَاتِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ...»

و مورد دوم در کتاب أمل الآمل، جلد 2، صفحه 127 است:

«أقول: و قد رأيت له كتاب قصص الأنبياء أيضا، كتاب فقه القرآن، و رسالة في أحوال أحاديثنا و إثبات صحتها، و شرح آيات الأحكام و هو فقه القرآن،»

نکته:

دو نفر از تلامذهای مرحوم قطب راوندی ره، یکی مرحوم منتجب الدین ره که دارای فهرست است و دیگری مرحوم ابن شهر آشوب ره که صاحب معالم العلماء باشد، در فهرست کتب مرحوم قطب راوندی ره نامی از کتاب قصص الأنبياء و کتاب فقه القرآن که دو کتاب معروف و متداولی است، نبرده‌اند. و از این به دست می‌آید که یا در مقام حصر مولفات مرحوم قطب راوندی ره نبودند یا اینکه به دست آنان نرسیده بوده است یا اینکه تالیف این دو کتاب بعد از وقتی بوده که این دو تلمیذ از ایشان جدا شده بودند و اصلا خبری از این دو کتاب به آنان نرسیده است و این احتمال با توجه به رفت و آمدهای آن آرمنه امری عقلانی است.

(اشکال):

استاد دام ظلّه فرمودند: یا اینکه به دست آنان نرسیده بوده است یا اینکه تالیف این دو کتاب بعد از وقتی بوده ...

ولی ظاهرا علت اینکه به دست آنان نرسیده این می‌باشد که تالیف این دو کتاب بعد از وقتی بوده که این دو تلمیذ از ایشان جدا شده بودند. پس باید به جای « یا اینکه » دوم کلمه «زیرا شاید» گذاشته شود.)

بزرگ ششم مرحوم صاحب بحار الانوار ره می‌باشد که در سال 1111 فوت نموده است:

«أقولُ رَوَى الشَّيْخُ قُطُبُ الدِّينِ الرَّائِدِيُّ فِي رِسَالَةِ الْفُقَهَاءِ عَلَى مَا تَقَلَّ عَنْهُ بَعْضُ الثَّقَاتِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ...» [1]

ان قلت:

با توجه به عبارت «عَلَى مَا تَقَلَّ عَنْهُ بَعْضُ الثَّقَاتِ» دانسته می‌شود که خود مرحوم مجلسی ره این رساله را منتسب به مرحوم قطب راوندی نمی‌نماید بلکه برخی دیگر مانند مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره باشند زیرا مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره با مرحوم مجلسی ره ملاقات داشته است و هر دو بزرگ به هم اجازه داده‌اند.

قلت:

از عبارت «السَّيِّحُ قُطْبُ الدِّينِ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي رِسَالَةِ الْفُقَهَاءِ» معلوم می‌شود که خود مرحوم مجلسی ره این رساله را به مرحوم قطب راوندی ره نسبت داده است ولی به احادیث مذکور در رساله مراجعه نداشته و از دیگران نقل می‌نماید مانند اینکه گفته شود که مرحوم کلینی ره در کتاب کافی این حدیث را نقل کرده است ولی خودم نرسیدم مراجعه کنم بلکه فلان شخص این حدیث را نقل کرده است که در اینجا خودم کتاب کافی را به مرحوم کلینی ره نسبت داده‌ام و مرحوم مجلسی ره به صورت گروهی کار می‌کردند لذا احادیث را افراد گروه جمع کرده بودند و ایشان از آن ثقات نقل نموده است ولی بیانات علمی از خود مرحوم مجلسی ره بوده است.

نکته:

مرحوم مجلسی ره اسم رساله را «رساله الفقهاء» ذکر نموده در حالی که بزرگان دیگر برای این رساله اسمی بکار نبرده بودند و ظاهر این است که این دو رساله متحد می‌باشند و این رساله دارای اسم خاصی نبوده است و در این رساله مجموعه‌ای از احادیث جمع شده بوده است.

پس به دست آورده شد که چندین بزرگ این کتاب را به قطب راوندی ره نسبت داده‌اند و از طرف دیگر این اسناد یک شهادت و یک اخبار محتمل الحس و الحدس می‌باشد یعنی ممکن است این اسناد را از راه حسی به دست آورده باشند مانند اینکه طریق ثقة عن ثقة داشتند یا خطوط علمائی که مورد شناسائی و شناخت آنان بوده است مثلاً مرحوم مجلسی ره نسبت به کتاب قصص الانبیاء مرحوم قطب راوندی ره می‌فرماید که این کتاب به تصحیح مرحوم شهید ثانی ره در نزد من موجود است و از طرف دیگر مرحوم نراقی ره و دو بزرگ دیگر نفرمودند که این کتاب برای مرحوم قطب راوندی ره نمی‌باشد تا گفته شود خبر اینان با خبر آنان معارضه می‌نماید بلکه فرمودند که برای ما ثابت نشده است که این کتاب منسوب به ایشان باشد چون آن قرائن حسی برای آنان مهیا نشده است ولی برای این چند بزرگ مهیا بوده است. پس خبر آنان به عدم ثبوت می‌باشد نه به ثبوت عدم.

ان قلت:

مرحوم قطب راوندی ره در سال 573 وفات نموده است لذا فاصله زمانی این بزرگان با ایشان حدود 500 سال می‌باشد و با وجود این مدت زمان فاصله چگونه ممکن است که خبر این بزرگان حسی بوده باشد.

قلت:

گفته شد که قرائی حسی مانند طریق ثقه عن ثقه یا خطوط علمائی که مورد شناسائی و شناخت آنان بوده، وجود داشته است و خبر محتمل الحس و الحدس حجت می‌باشد ولی با این حدود مرحوم شهید صدر ره کلامی دارند که همین سخنان گفته شده را بیان فرموده است. ایشان پیرامون شهادت مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره به وثاقت أبو البرکات علی بن الحسین با اینکه فاصله زمانی بین ایشان و ابو البرکات علی بن الحسین زیاد می‌باشد، فرموده است که طولانی بودن فاصله زمانی یا کم بودن فاصله زمانی ملاک حدسی یا حسی شدن خبر نمی‌شود تا گفته شود اگر فاصله زمانی زیاد است خبر حدسی می‌باشد و اگر فاصله زمانی کم است خبر حسی می‌باشد بلکه ملاک این است که آیا آن وسائل که موجب حسی شدن خبر می‌شود، در این مدت متوفر بوده است یا خیر. گاهی مواقع فاصله زمانی کم بوده ولی وسائلی که موجب حسی بودن خبر می‌شود، وجود ندارد مانند اینکه در أنساب افراد غیر سید معمولاً جد دوم و سوم خود را نمی‌شناسد و باید با حدس و گمان پی به جد دوم و سوم خود ببرند با اینکه فاصله زمانی کم می‌باشد ولی سادات نسبت به جد دهم خود خبر حسی دارند با اینکه فاصله زمانی زیاد می‌باشد چون تحفظ بر أنساب خود می‌نمایند و شجره نامه دارند زیرا آثار شرعی و شرافت ذاتی دارد. اکنون باید بررسی کرد که آیا آن وسائلی که موجب حسی بودن خبر می‌شود، در این مدت فاصله وجود دارد یا خیر و نسبت به علماء و محدثین و روات چون کتاب نوشته می‌شده و هم اساتید به شاگردان و شاگردان به تلامذ خود می‌گفتند چون به این مطالب در درس‌ها احتیاج داشتند پس راه برای دریافت حسی مرحوم صاحب وسائل ره نسبت به وثاقت ابی البرکات علی بن الحسین وجود داشته است و بعد می‌فرمایند که حسی بودن دریافت توثیقات برای مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره نسبت به مرحوم شیخ طوسی ره اوفر است زیرا قبل از مرحوم شیخ طوسی ره فقط یک کتاب فهرست نوشته شده بود که مولف آن برقی ره بوده است ولی از عصر مرحوم شیخ طوسی ره تا عصر مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره تعداد بسیار زیادی از کتب رجالی و تاریخی و فهرست تالیف شده و در دسترس علماء بوده است و با عین حال می‌گوئیم که اخبار مرحوم شیخ طوسی ره احتمال حسیت دارد و از همین طریق قول رجالیون را حجت قرار داده‌اند. البته اینکه حسی بودن دریافت توثیقات برای مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره نسبت به مرحوم شیخ طوسی ره اوفر است، مورد قبول نیست بلکه باید گفت که در هر دو زمان حسی بودن دریافت توثیقات خوب بوده است زیرا با توّرّق کردن کتاب مرحوم نجاشی ره و فهرست مرحوم شیخ طوسی ره به دست می‌آید که بسیار کتب رجالی تدوین شده بوده است و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی ره کتابی به نام مُصَنَّفُ المقال فی مُصَنَّفِ علم الرجال دارند و ایشان در این کتاب حدود صد کتاب رجالی تا زمان مرحوم شیخ طوسی ره ذکر می‌نمایند و حتی کتاب فهرست هم وجود داشته است زیرا مرحوم شیخ طوسی ره به فهرست علماء ارجاع می‌دهد.

«و فيه: أن المقياس في نشوء احتمال الاستناد إلى الحس في مقابل الحدس و الاجتهاد ليس هو طول الزمان و قصره فحسب، و إنما تتحكم فيه أيضا ملايسات ذلك الفاصل الزمني و ظروفه، فقد يكون الفاصل قصيراً و لكنه قد مضى بنحو لا يوفر للباحث ما يحتاجه من المدارك الواضحة التي تستوجب حسية شهادته بالتوثيق أو الجرح، و قد تطول الفاصل الزمني دون أن يضر بما تطلبه حسية الشهادة من مدارك و مستندات، فمثلاً ترى أن التسلسل النسبي لأسرة علوية قد يكون محفوظاً عبر مئات السنين فيستطيع أي فرد منها أن ينسب نفسه إلى أبيه ثم إلى جده و جد جده و هكذا إلى أزمنة سحيقة من تاريخ آبائه و أجداده نتيجة الاهتمام الموجود تجاه هذا النسب المبارك، بينما لا يتأتى ذلك في حق

الأنساب الأخرى و لو لأزمنة قصيرة من تاريخ الآباء و الأجداد.

و على هذا الأساس، لو لاحظنا السنين التى تفصل بين الشيخ الطوسى- قده- و بين الرواة الذين شهد بوثافتهم و التى هى أقصر بكثير من الفاصل الزمنى بين صاحب الوسائل- قده- و العلماء الذين يشهد بوثافتهم- كأبى البركات مثلاً- نرى فارقاً كبيراً بين الزمانين يميز الفاصل الزمنى بين صاحب الوسائل و أبى البركات من ناحية إمكانية الحصول فيه على مدارك حسية للشهادة بوثاقته. و ذلك الفارق الكيفى يتمثل فى توفر الضبط فى النقل و شدة الاهتمام بمدارك التوثيق و الجرح و التعديل و شيوع كتب الرجال و الإجازات و الإسناد التى هى منفذ اطلاع الباحث على معرفة أحوال الرجال عادة و عدم توفر مثل هذه المدارك و إمكانات البحث و الاطلاع فى الفترة الزمنية بين الشيخ الطوسى و أصحاب الأئمة حتى أنه لم ينقل فهرست لأحد من الأصحاب فى هذه الفترة غير البرقى- قده-» [2]

طريق دوم:

مرحوم شهيد صدر ره و برخى از اساتيد ما دام ظلّه و بسيارى از محققين اين راه را طى نموده‌اند. طريق دوم اين است كه مرحوم صاحب وسائل الشيعه طريق ثقه عن ثقه تا مرحوم قطب راوندی ره دارد و اگر چه ايشان اين رساله را در خاتمه وسائل الشيعه جزء كتاب‌هاى كه از آنها حديث ذكر مى‌نمايد، نام نبرده است و در فائده خامسه طريق خود را به 82 كتاب بيان مى‌فرمايد و در ذيل طريق 36 يك طريق معنعن به كتاب الخرائج و الجرائع و كتاب قصص الانبياء ذكر مى‌نمايد.

«و نروى كتاب (الخرائج و الجرائع) و كتاب (قصص الأنبياء) لسعيد بن هبة الله؛ الراوندى؛ بالإسناد السابق (ط 19) عن العلامة؛ الحسن بن المطهر (52)، عن والده (105)، عن الشيخ مهذب الدين؛ الحسين بن ردة (106)؛ عن [109] القاضى؛ أحمد بن على بن عبد الجبار؛ الطبرسى؛ عن [110] سعيد بن هبة الله؛ الراوندى.» [3]

ولى در پايان فائده پنجم مى‌فرمايد كه بقيه كتب را با همين طرق‌ها روايت مى‌كنم.

«و نروى باقى الكتب، بالطرق المشار إليها و الطرق المذكورة، عن مشايخنا و علمائنا، رضى الله تعالى عنهم جميعاً، و جزاهم عنا، و عن الإسلام خيراً.» [4]

و ظاهراً طريق رساله منسوب به قطب راوندی ره همين طريقى است كه براى كتاب الخرائج و الجرائع و كتاب قصص الانبياء ذكر نموده است اگر چه طريق‌هاى ديگر هم معتبر مى‌باشند و مويد اينكه طريق مرحوم صاحب وسائل ره به رساله منسوب به قطب راوندی ره همين طريقى است كه براى كتاب الخرائج و الجرائع و كتاب قصص الانبياء ذكر نموده است، اين مى‌باشد كه مرحوم علامه ره در آن اجازه كبريه به بنى زهره فرموده است:

«و من ذلك جميع مصنفات الشيخ أبى الحسين الراوندى و رواياته و إجازاته عنى عن والدى ره عن الشيخ مهذب الدين الحسين بن ردة عن القاضى أحمد بن على بن عبد الجبار الطبرسى عن الراوندى المصنف.» [5]

با اين مقدمات ثابت مى‌شود كه مرحوم صاحب وسائل الشيعه ره به طريق صحيحى كه تا مرحوم شهيد اول ره و مرحوم شهيد ثانى ره دارد و به طريق صحيحى كه آن بزرگان تا مرحوم علامه ره دارند و به طريق صحيحى كه مرحوم علامه ره تا مرحوم قطب راوندی

ره دارد، همه کتب ایشان را که یکی از آنها این رساله باشد، نقل می‌نماید و با مراجعه به طرق مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره تا مرحوم شهید اول ره و مرحوم شهید ثانی ره مشاهده می‌شود که برخی از آنها از طریق مرحوم ملا امین استرآبادی ره است و بعضی از طریق مرحوم مجلسی اول ره می‌باشد و برخی از طریق مرحوم مجلسی دوم ره است و بعضی هم از طرق دیگر هستند. یعنی مرحوم ملا امین استرآبادی ره و مرحوم مجلسی اول ره و مرحوم مجلسی دوم ره در اثناء طریق مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره واقع شده‌اند و در نتیجه طرق این سه بزرگ به تالیفات مرحوم قطب راوندی ره دانسته می‌شود.

پس از این عبارات مذکور در خاتمه وسائل الشیعه به دست آورده می‌شود که هم مرحوم صاحب وسائل الشیعه ره و هم این سه بزرگ طریق معتبر به تالیفات مرحوم قطب راوندی ره دارند و این سخن طریق اول را تایید می‌کند زیرا در راه اول گفته شد که خبر آن چند بزرگ محتمل الحس است و با وجود این طرق معتبر، خبر حسی خواهد بود.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

---

[1]. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 2، ص: 235

[2]. بحوث فی علم الأصول، ج 7، ص: 356

[3]. وسائل الشیعه، ج 30، ص: 184

[4]. وسائل الشیعه، ج 30، ص: 189

[5]. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 104، ص: 83